

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله علي اعدائهم اجمعين من الان الي قيام يوم الدين

یادآوری 1؛ بررسی فرض سوم صورت اول

عرض کردیم در فرضی که مصلی بعد از نماز، علم دارد به اینکه دو سجده از او فراموش شده، اما نمی‌داند که این دو سجده از کدام يك از رکعات است؟

احتمال می‌دهد هر دو سجده‌ی منسیه مربوط به رکعت اول و دوم باشد.

احتمال می‌دهد یکی از این دو سجده‌ی منسیه مربوط به رکعت اخیر باشد.

اینجا عرض کردیم طبق آن مبنایی که پیش رفتیم باید در اینجا بعد از نماز دو سجده را قضاء کند چون ما عرض کردیم حتی در فرضی که علم دارد که این سجده از رکعت اخیر است، یعنی یکی از این دو سجده از رکعت اخیر است، عرض کردیم سلام عنوان مخرج را دارد و ادله‌ی لزوم قضاء سجده‌ی فراموش شده دلالت دارد بر اینکه باید این سجده را قضاء کند.

یادآوری 2؛ مبنای مشهور در فرض سوم

در فرضی که علم دارد که این سجده از رکعت اخیر است، آنجا مسئله‌ی قضا مطرح است، حالا اینجا که شك دارد، نمی‌داند از رکعت اخیر است یا غیر اخیر، به طریق اولی مسئله‌ی قضا مطرح می‌شود. کما اینکه مرحوم سید(ره) و مرحوم امام خمینی(ره) هم همین مسئله را فرمودند.

یادآوری 3؛ مبنای مرحوم عراقی(ره) و من تبع

ولی در مقابل، عرض کردیم مرحوم عراقی(ره) و مرحوم آقاي خوئی(ره) و من تبع اینها معتقدند که مسئله صوری دارد و باز باید بین منافی و عدم منافی تفصیل داد به اینکه:

در فرض منافی مسئله‌ی قضا را قائل شدند اما در فرض عدم منافی به این نتیجه رسیدیم که فرمودند: قاعده‌ی تجاوز غیر جاریه، للتعارض. اما استصحاب جریان دارد؛ یعنی هم نسبت به رکعت اخیر و هم نسبت به رکعت غیر اخیر، اینجا باید استصحاب کرد.

نتیجه این دو استصحاب، سه سجده است! که در جلسه گذشته توضیح دادیم؛ یعنی روی مبنای مرحوم عراقی(ره) و مرحوم آقاي خوئی(ره) نتیجه‌ی این استصحابین این است که سه سجده را باید بیاورد؛ یکی عنوان رجوعی و تدارکی دارد، دو تا عنوان قضائی دارد که تا اینجا را دیروز عرض کرده بودیم، دو مطلب باقی می‌ماند.

مطلب اول: بررسی توهّم جریان سه استصحاب

مرحوم محقق عراقی (ره) می‌فرماید: بعضی‌ها توهّم کردند در اینجا سه تا استصحاب جریان دارد؛ عبارت مرحوم عراقی (ره) در کتاب «روائع الامالی» این است که می‌فرماید: «و توهّم أن مقتضى الاستصحاب قضاء الثلث الباقية غير السجدة الأخيرة مدفوع»؛ آری این توهّمی است که مرحوم عراقی (ره) در اینجا ذکر کرده است.

عرض کردیم خود مرحوم آیت الله خوئی (ره) در شرح کتاب «العروة الوثقى» می‌فرماید: دو تا استصحاب جاری کنیم:

«استصحاب اول» نسبت به رکعت اخیره؛ بگوئیم که در رکعت اخیره این سجده را آورد یا نه؟ استصحاب می‌گوید نیاورده است.

«استصحاب دوم» نسبت به رکعت غیر اخیره؛ آن وقت در غیر اخیره عرض کردیم چون دو احتمال وجود دارد، احتمال می‌دهیم که هر دو سجده از غیر اخیره فوت شده باشد، یعنی یکی از دو سجده منسیه مربوط به رکعت دوم و یکی دیگر از آنها نیز مربوط به رکعت سوم است یا یکی از دو سجده منسیه مربوط به رکعت اول و یکی دیگر از آنها نیز مربوط به رکعت دوم است.

آن وقت نتیجه این می‌شود که ما وقتی می‌گوئیم استصحاب می‌کنیم در غیر اخیره سجده آورده نشده، یعنی باز آنجا هم برگشتش به دو استصحاب است، در رکعت دوم شك می‌کنیم سجده آورده شده یا نه؟ استصحاب عدم إتيانها را می‌کنیم، در رکعت سوم شك می‌کنیم آورده شده یا نه؟ استصحاب عدم إتيانها را می‌کنیم.

بنابراین مرحوم آیت الله خوئی (ره) ملتزم شدند به این که مقتضای این دو استصحابین که باز عرض می‌کنم آن غیر اخیره، خودش در حقیقت دو استصحاب است، چون فرض ما این است که علم دارد به دو سجده‌ی فراموش شده، احتمال می‌دهد این دو سجده مال غیر اخیره باشد؛ کما اینکه احتمال می‌دهد یکی از آنها برای اخیره باشد، ایشان فرمود: هر سه استصحاب در حقیقت جریان دارد و مقتضای اینها آوردن سه تا سجده است، یکی به عنوان رجوعی و دو تا به عنوان قضائی.

راه حل محقق خویی برای جلوگیری از جریان سه استصحاب

محقق خویی (ره) در ادامه می‌فرماید: البته يك راهی وجود دارد برای احتیاط که یکی را بعد از نماز به عنوان «ما في الذمه» بیاورند، - نه قصد رجوع کند و نه قصد قضاء - و یکی هم «بعنوان القضاء».

اشکال مرحوم عراقی بر محقق خویی

فرمایشی که مرحوم عراقی (ره) دارد این است که می‌فرماید: اصلاً نباید توهّم قضاء سه سجده در اینجا مطرح شود. و در نتیجه ایشان جریان استصحاب در زائد بر دو تا را درست نمی‌داند و فرمایش‌شان این است که می‌فرماید: این اصول عملیه يك اصول تعبديّه است که در ظرفی که ما شك داریم، جریان پیدا می‌کند؛ برای اینکه يك اثر تعبدي بار شود. در جایی که نسبت به يك اثر ما یقین به وجود یا یقین به عدم داریم، اینجا دیگر مجالی برای این اصول تعبديّه نیست، در اینجا از این شخص، دو سجده فراموش شده؛ حالا اگر بیائیم زائد بر این دو را با استصحاب بگوئیم سه تا سجده بر این واجب است، اینجا یقین داریم که یکی از این سجده‌ها اضافه است؛ و اینجا یقین داریم یکی از این استصحاب‌ها بی‌خود جاری می‌شود، چون می‌گوئیم علت استصحاب این است که مسئله وجوب القضاء را که يك عنوان تعبدي است بر این استصحاب بار می‌کنیم، یقین داریم که دو تا سجده بر ما بیشتر لازم نیست بیاوریم.

حالا اگر آمد استصحاب طوری جاری شد که با استصحاب باید سه سجده بیاوریم یا «إن شئت قل»، با این استصحاب چهار تا سجده بیاوریم، می‌گوئیم شك می‌کنیم رکعت اول آوردیم یا نه؟ استصحاب می‌گوید نیاوردی، رکعت دوم آوردیم یا نه؟ استصحاب می‌گوید نیاوردی، رکعت سوم هم استصحاب می‌گوید نیاوردی، رکعت چهارم هم استصحاب می‌گوید نیاوردی،

یعنی با این چهار تا استصحاب باید چهار سجده آورده شود، در حالی که ما یقین داریم از این شخص دو سجده فراموش شده، این برای ما علم می‌آورد به اینکه از این چهار تا استصحاب دوتای آن بی‌خود است و اثر تعبدي وجوب القضاء بر آن بار نمی‌شود.

فقط بر دو تا اثر تعبدي بار می‌شود، نسبت به همان دو تا، حالا لازم نیست بدانیم کدامیک از اینهاست! چون لازم نیست ما بعد از نماز بگوئیم من سجده‌ی فراموش شده‌ی رکعت دوم را می‌خواهم قضاء کنم، آنجایی که اگر کسی نمازش تمام شد یقین دارد يك سجده از او قضاء شده اما نمی‌داند در کدام رکعت است، يك سجده را می‌آورد، و لازم نیست «من الركعة الأخيرة یا من الركعة الثالثة یا من الركعة الثانية» باشد، هیچ يك از این عناوین لازم نیست آورده شود.

در ما نحن فيه هم مرحوم محقق عراقی(ره) می‌فرمایند: اینجا و لو به حسب ظاهر مجرای برای چهار استصحاب است اما چون یقین دارد که دو تا سجده بیشتر از او فوت نشده، دو تا وجوب القضاء، دو تا وجوب سجده بر او بیشتر نیست، پس یقین پیدا می‌کنیم دو تا از این استصحاب‌ها بی‌خود است باید آن را کنار بگذارد.

مناقشه بر نظریه محقق خویی

بالآخره اینکه ما بگوئیم زائد بر این باید سه تا سجده بر او واجب شود، درست نیست؛ حالا می‌خواهیم این را عرض کنیم که حق با مرحوم محقق عراقی(ره) است، اصلاً در اینجا چون مرحوم آقای خوئی(ره) قبول می‌کنند که به حسب صناعت علمی و صناعت اجتهادی سه تا سجده بر این شخص واجب است، این را اول قبول می‌کنند، منتهی می‌گویند چون يك راه وجود دارد برای اینکه این سه تا سجده آورده شود و آن اینکه یکی را «بقصد الجامع» بیاورد، جامع بین سجده‌ی رجوعی تدارکی و سجده‌ی قضائی. ما عرض می‌کنیم چرا شما از اول وجوب سه تا سجده را می‌پذیرید؟!

راهی که مرحوم آقای خوئی(ره) طی کرده این است که بالأخره غیر از آن سجده‌ی قضائی اولی که حالا به علم وجدانی می‌داند یکی از آنها مربوط به غیر رکعة الأخيرة است؛ به مقتضای دو استصحاب می‌گویند دو سجده بر این شخص واجب است؛ یکی می‌گوید از اخیره آورده نشده پس رجوع واجب است و يك استصحاب هم می‌گوید از غیر اخیره آورده نشده پس قضاء واجب است.

در حالی که این فرمایشی که مرحوم محقق عراقی(ره) دارد اینجا هم جریان دارد؛ اگر در يك جا کسی دو سجده از او فراموش شده، ما يك راه اجتهادی را طی کنیم که بگوئیم سه تا سجده واجب است بیاوریم، یقین داریم یکی از آنها اضافه است، حالا که یقین داریم یکی از آنها اضافه است آنکه با علم وجدانی است مربوط به غیر رکعت اخیره است باید قضاء شود، پس یکی از آن دو تا استصحاب درست نیست و یقین داریم باطل است.

خلاصه حرف آقای خوئی(ره) این شد که می‌گوید الآن این کسی که نمازش تمام شده احتمال می‌دهد سجده مال رکعت اخیره باشد، استصحاب می‌کند عدم اتیان در رکعت اخیره را، این يك. و احتمال می‌دهد مربوط به غیر رکعت اخیره باشد باز عدم اتیان در غیر رکعت اخیره را استصحاب می‌کند، این دو تا استصحاب. و چون می‌داند یکی از این سجده‌ها مال غیر رکعت اخیره است یکی هم به اعتبار او باید قضاء کند! یعنی عرض ما و تعلیقه‌ی ما بر فرمایش آقای خوئی(ره) این است که ایشان اول يك راهی را طی کردند که نتیجه‌اش این است که سه تا سجده بر این آدم واجب است؟! ما اول باید فرمایش مرحوم خوئی(ره) را حل کنیم؛ می‌گوئیم شما يك راهی را طی کردید که نتیجه‌اش این است که سه سجده بر این آدم واجب است!!! در حالی که این شخص می‌داند آنچه از او فوت شده دو سجده است.

پس نتیجه این است که بگوئیم مبناي عراقی(ره) این است که شما اگر در يك جا دو تا استصحاب جاری است و یقین دارید یکی از آنها بی‌خود است باید یکی را کنار بگذارید، يك جا سه تا استصحاب جاری است و یقین دارید دو تاي آن بی‌خود است از کجا یقین دارید؟ می‌گوئید اصول عملیه در جایی است که شما می‌خواهید متعبد به يك حکم شرعی شوید، اگر آن حکم برای شما

معلوم الوجود یا معلوم العدم است، دیگر استصحاب فایده ندارد، اصل عملی فایده ندارد، می‌گوئیم اینجا بی که دو تا سجده فراموش شده یقیناً بیش از دو تا بر او لازم نیست! پس چرا به حسب صناعت اجتهادی بگوئیم سه تا واجب است؟! پس یکی از آنها بی‌خود است. در ما نحن فیه نماز چهار رکعتی است، دو سجده را می‌داند فراموش شده، می‌گوئیم قاعده و همه چیز می‌گوید این دو تا بیشتر نباید قضا کند، دو تا بیشتر نباید بیاورد، حالا بعنوان القضاء را نمی‌گوئیم، اما راهی که مرحوم آقای خوئی (ره) طی کردند، در این راه آنچه که بر این واجب است سه سجده است!؛ منتها ایشان بعداً می‌فرمایند دو تا را با يك عنوان جامع و به عنوان «ما فی الذمه» درست می‌کنیم که همین جا داخل پُرانتز عرض کنم اساساً در بین فقها در اینکه آیا خود عنوان ما فی الذمه يك نيّت صحیحی است یا نه اختلاف وجود دارد، بعضی‌ها این را قبول ندارند که به عنوان «ما فی الذمه» آورده شود صحیح است، ایشان يك راه اینطوری درست می‌کند.

عرض ما این است که چرا از اول يك راهی را طی کردید که سه تا واجب باشد؟ و ما الآن با قطع نظر از قاعده اشتغال می‌خواهیم بگوئیم.

مناقشه بر نظریه مرحوم عراقی (ره)

مرحوم عراقی (ره) در ذیل کلامشان می‌فرمایند: کسی نباید توهم کند که مقتضای استصحاب قضاء سه تا سجده است، غیر سجده‌ی اخیر که آن باید تدارک دیده شود، برای اینکه ما می‌دانیم که از این شخص دو سجده بیشتر فوت نشده اگر استصحاب زائد بر دو سجده را بخواهیم اثبات کنیم این درست نیست و اثر شرعی ندارد، چون جزم به عدم داریم.

همین اشکال را می‌گوئیم در فرض قبل هم بر خود شما وارد است. نتیجه این است که هم مرحوم آقای خوئی و هم مرحوم عراقی، اینها مسئله‌ی سه تا سجده را «بحسب القاعدة» می‌پذیرند. اشکال این است که شما چرا سه تا سجده را پذیرفتید؟

اشکال را هم ما خودمان از ذیل کلام مرحوم عراقی (ره) در «روائع الامالی» ص 12 یاد گرفتیم یعنی ایشان تصریح کرده، البته مطلبی است که در رسائل زیاد تذکر داده شده ولی ایشان خیلی هم با آب و تاب می‌فرمایند: «و لتكن هذه القاعدة في ذكرك في كل مورد يرد عليك من الأصول الموضوعية مع العلم التفصيلي بعدم ترتب أزيد من أثر واحد أو اثنين على المشكوكات الزائدة عن مقدار الأثر المعلوم»، یعنی هر جا با اصول تعبدیه مثل استصحاب يك اثری زائد بر مقدار معلوم اثبات شد به درد نمی‌خورد. شما می‌دانید يك سجده از شما فوت شده، استصحاب می‌گوید چهار تا، سه تای آن بی‌خود است. می‌دانید دو تا فوت شده و استصحاب می‌گوید سه تا، که یکی از آنها بی‌خود است. می‌گوئیم خودتان در ذیل این تصریح را دارید، در آنجا هم بگوئید یکی را یقین دارد از غیر اخیر است که باید قضاء کند، یکی هم مردد بین اخیر و غیر اخیر است که باز یکی برایش واجب است، اینجا نمی‌توانیم بگوئیم دو تا استصحاب جاری می‌کنیم، یکی برای اخیر و یکی برای غیر اخیر. طبق نظر اینها اگر این سجده واقعاً از رکعت اخیر باشد می‌شود تدارک و اگر از غیر رکعت اخیر باشد می‌شود قضاء.

اما خود مرحوم آقای خوئی (ره) فرمودند: نيّت رجوع یا نيّت قضاء لازم نیست، بعد می‌گوید حالا احتیاطاً تشهد و سلام هم بخواند، لازم نیست که بگوئیم دو تا استصحاب جاری شود که یکیش اثبات کند سجده‌ی تدارکی را، نه! يك سجده را انجام می‌دهد، منتهی چون احتمال می‌دهد این سجده از رکعت اخیر باشد احتیاطاً يك تشهد و سلام هم روی نظر آقایان می‌خواند، چرا دو استصحاب آنجا جاری شود، پس این خلاصه‌ی عرض ما.

اشکال وارد بر نظریه مرحوم عراقی و محقق خوئی

اشکال ما هم بر مرحوم عراقی و هم بر مرحوم آقای خوئی (ره) است، ما در اول بحث می‌خواستیم يك فرقی بگذاریم بین کلام عراقی (ره) و مرحوم خوئی (ره)، اما عبارت تصریح دارد که هر دو بزرگوار يك نظر را دارند، اشکال بر هر دو وارد می‌شود و خلاصه این شد که چرا شما می‌آئید غیر از مسئله‌ی رکعت اخیر و یا غیر از آن سجده‌ای که یقین دارد از غیر رکعت اخیر است می‌آئید دو تا استصحاب در اینجا جاری می‌کنید؟ يك استصحاب بیشتر جریان ندارد آن هم به اعتراف کلامی که خودتان

بیان کردید.

شما نمازت تمام شده، می‌دانی دو تا سجده از این چهار رکعت فوت شده، احتمال می‌دهی این دو تا سجده در غیر رکعت اخیر باشد، احتمال می‌دهی مال رکعت اخیر باشد، می‌آئید در رکعت اخیر شک می‌کنید! اما این دو احتمال قدر جامعش این است که یقیناً یکی از آنها مربوط به غیر اخیر است، می‌آئید می‌گوئید این سجده احتمال دارد مال رکعت اخیر باشد، عدم اتیان سجده در رکعت اخیر را استصحاب می‌کنید، این يك استصحاب. احتمال می‌دهید اصلاً هر دوی آن مال غیر رکعت اخیر باشد، یعنی عدم اتیان را در غیر اخیر استصحاب می‌کنید، پس دو استصحاب دارید: «استصحاب عدم الاتیان فی الأخيرة» و «استصحاب عدم الاتیان فی غیر الأخيرة». پس دو احتمال است، اول اینکه این دو سجده مربوط به غیر رکعت چهارم است، این يك. احتمال دوم که یکیش مربوط به چهارم است و یکیش غیر چهارم. نتیجه این دو احتمال این است که شما یقین دارید یکی از این سجده‌ها مربوط به رکعت غیر چهارم است.

آن وقت باز اصلاً همین تقریر و بیان، دائماً این اشکال را قوی‌تر می‌کند که دیگر مجالی بر دو استصحاب نیست؛ شما وقتی می‌گوئید ما یقین داریم یکیش برای غیر اخیر است پس نسبت به آن یکی که علم وجدانی دارید و یکی باقی می‌ماند، استصحاب می‌کنید این یکی را نیاوردید، حالا از اخیر یا غیر اخیر است، اینها لزومی ندارد، عرض کردم حالا مسئله تشهد و مسئله سلام يك امر احتیاطی است و می‌تواند بعداً بیاورد، فقط مسئله سجده‌ی سهوش مطرح می‌شود که الآن می‌خواهیم بحثش را مطرح کنیم، این کلام مرحوم آقای خوئی و مرحوم عراقی با تعلیقه‌ای که ما عرض کردیم.

مطلب دوم: آیا در فرض سوم سجده سهو واجب است یا خیر؟

مطلب بعدی که باز این آقایان دارند این است که اینجا آیا سجده سهو واجب است یا نه؟ دو احتمال وجود دارد:

«احتمال اول»: اگر احتمال بدهیم این سجده منسیه مربوط به رکعت اخیر نباشد تشهد و سلام «فی موضعه» واقع شده، روی قول این آقایان، دو سجده قضاء را باید انجام بدهد و اگر گفتیم این تشهد و سلام فی موضعه واقع شده، دیگر اضافه‌ای هم انجام نداده تا بخواهد برای تشهد و سلام سجده سهو انجام بدهد.

اما:

«احتمال دوم»: اگر احتمال بدهیم که این سجده فراموش شده یکی از آن‌ها مربوط به این رکعت اخیر است روی قول مرحوم عراقی(ره) و مرحوم آقای خوئی(ره) و مرحوم آقای بروجردی(ره) نمازش هنوز تمام نشده، سلام و تشهد را داده و این سلام و تشهد «فی غیر موضعه» واقع شده. پس بگوئیم اینجا باید سجده سهو انجام شود.

بررسی یک سؤال:

سؤال این است: آیا برای تشهد و سلام روی قول عراقی(ره) و مرحوم آقای خوئی(ره) و من تبع اینها، سجده‌ی سهو لازم است یا نه؟

جواب:

خیر، چرا؟ چون موضوع سجده سهو در جایی است که ما احراز کنیم این تشهد و سلام اضافه بوده، الآن هم ما نمی‌دانیم این سجده فراموش شده از اخیر است یا غیر اخیر، اگر از اخیر باشد تشهد و سلام اضافه است، اما اگر از غیر اخیر باشد تشهد و سلام فی موضعها واقع شده.

بررسی یک اشکال:

اگر بگوئید آقا مگر شما استصحاب نمی‌کنید؟ استصحاب می‌گوید سجده در رکعت اخیره آورده نشده، پس حالا که آورده نشده تشهد و سلام فی غیر محلّهم است، پس تشهد و سلام زائد می‌شود.

جواب:

جواب این است که درست است استصحاب می‌گوید شما در رکعت اخیره يك سجده نیاوردی، اما استصحاب خیلی زور ندارد، و اثبات نمی‌کند که این تشهد و سلام زائد، اگر بخواهد این را اثبات کند می‌شود اصل مثبت و اصل مثبت یعنی اصول عملیه مثبتاتش حجیت ندارد.

بررسی مبنای محقق خویی(ره) در قضای سجده

فقط مرحوم آقای خویی(ره) اینجا از آقای عراقی(ره) جدا می‌شود، مرحوم آقای خویی(ره) می‌فرماید:

ما يك مبنایی داریم و آن این است که اگر کسی نمازش تمام شد و یادش افتاد يك سجده نیاورده، چه این سجده اخیره باشد و چه غیر اخیره! آن سجده‌ای را که دارد قضاء می‌کند مخرج از نماز است، ایشان می‌فرمایند قضاء سجده‌ی منسیّه حقیقتاً جزء نماز است و در نتیجه اگر کسی نمازش تمام شد و فهمید يك سجده را نیاورده، اگر اخلاص عمدي ورزید، می‌فرمایند نمازش باطل می‌شود.

مشهور این را قبول ندارند و می‌گویند اگر کسی نمازش تمام شد و فهمید يك سجده هم نیاورده، اگر اخلاص عمدي هم ورزید معصیت کرده ولی نمازش باطل نیست! اما آقای خویی می‌فرمایند نمازش باطل است و اخلاص عمدي این است که مثلاً استدبار کند. یعنی بعد از صلاة و قبل از قضاء عمداً استدبار کند، روی مبنای آقای خویی(ره) این نماز کلاً باطل می‌شود، روی مبنای مشهور باطل نمی‌شود، مشهور می‌گویند این قضاء سجده، جزء نماز نیست.

نتیجه کلام محقق خویی(ره)

حالا نتیجه چه می‌شود؟ ایشان می‌فرماید روی مبنای ما که این سجده جزء نماز است، حالا این قضاء سجده را انجام می‌دهد، قضاء سجده را که انجام می‌دهد يك تشهد و سلام احتیاطی هم باید انجام بدهد.

روی مبنای ایشان، در نتیجه علم اجمالی پیدا می‌کند یا آن سلام اولی که آورد زائد است و یا این سلام احتیاطی که آورده زائد است. یکی از اینها زائد است؛ از این رو باید برای احد السّلامین یکی از این دو تا سلام، یعنی یا سلامی که قبلاً آورده و یا سلامی که الآن به عنوان الاحتیاط آورده، یک سجده سهو به جای آورد؛

عبارت ایشان را خواستید ببینید در همان جلد نوزدهم صفحه 115 است، این مبنایی است که ایشان در اینجا دارد، می‌فرمایند روی این مبنا علم اجمالی پیدا می‌کند یکی از این سلام‌ها زائد است، یا سلامی که اول آورده و یا سلامی که به عنوان احتیاط بعداً می‌خواهد بیاورد. بنابراین می‌فرمایند باید سجده سهو انجام دهد «إذن يجب عليه سجود السهو لأحد السّلامین المعلوم زیاده إجمالاً». يك سجده سهو هم برای تشهد باید انجام بدهد «بناءً على وجوبه لكل زیاده و نقیصة».

این مبنایی است که ایشان هم متفرد در این مبناست، حالا من کسی را سراغ ندارم که این مبنا را از ایشان قبول کرده باشد، همه می‌گویند این سجده منسیه هر عنوانی را که دارد جزء نماز نیست و اخلاص عمدي به او هم موجب بطلان نماز نمی‌شود.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ